

به نام اهورا مزدا



روئسای هفت خانواده بزرگ پارسی در سال ۵۲۳ پیش از میلاد، با کشتن گئومات مغ که به عنوان بردیا فرزند کوروش بزرگ بر تخت نشسته بود، پادشاهی را به داریوش بزرگ و خاندان هخامنشی بازگرداند.

در جریان نشستی که پس از آن برگزار شد، هوتن ([اتانس](#)) از نظام دموکراسی دفاع کرد و در نکوهش نظام حکومتی پادشاهی سخن گفت. مگابیز ضمن تایید انتقادات هوتن به نظام پادشاهی، از نظام اولیگارشسی دفاع کرد. اما داریوش از نظام پادشاهی دفاع کرد، و چون نظر چهار نفر دیگر حاضر در جلسه هم موافق با داریوش بود، در نهایت نظام پادشاهی در ایران تداوم یافت.

برای دیدن مطلب بسیار تاثیر گزار قیام هفت یار به ادامه مطلب بروید

قیام هفت یار

گئومات غاصب بعد از رفتن کمبوجیه به مصر خود را بجای بردیا پسر کوروش معرفی کرده، بر تخت نشست. او بعد از دست انداختن به تاج و تخت، تمام زنان کمبوجیه را نیز در اختیار گرفت، یکی از این زنان فیدمیا، دختر هوتن یکی از تواناترین نجبای ایران بود.

هوتن يك گروه شش نفره (به احتساب خودش) از نجبای پارس را که به آنها اطمینان داشت، در شوش شکل داد و با ورود داریوش از پارس قرار شد که او را نیز در گروه خویش وارد سازند. این هفت تن با هم قسم خوردند که برای دفع غاصب اقدام کنند.

هفت یار وفادار بر آن شدند که

بی درنگ بر غاصب بتازند و پس از ادای فریضه و دعا و نیایش برای پیروزی به طرف قصر شتافتند. بالاخره گئومات در قصر بوسیله داریوش کشته شد و ماجرای طغیان بردیای دروغین پایان یافت (شرح کامل تر این قیام را می توانید با عنوان «ماجرای هفت سردار پاری و به تخت نشستن داریوش» در همین وبلاگ مطالعه فرمایید).

مذاکره هفت سردار در باره تعیین نوع حکومت ایران

پنج روز پس از کشته شدن گئومات، همدستان در باره اقدامات آینده خویش در شوش به مذاکره نشستند. در آن جلسه نظریاتی اظهار شد.

سخنان هوتن در تأیید حکومت دمکراسی

نخستین سخنان هوتن (اتانس) بود و زمینه بیانش ترجیح برقراری حکومت دمکراسی در ایران بود او گفت:

(به نظر من آن زمان گذشت که يك نفر از میان ما همه کاره باشد و خودسرانه فرمانروایی کند. راه و رسم حکومت استبداد نه خوشایند است و نه مایه خیر و صلاح و شما خود بهتر می دانید که فزونی قدرت و غرور چگونه کار کمبوجیه را تباه ساخت و همان وضع و حال هم در دوره گئومات مغ به رأی العین دیدید. چگونه ممکن است این طرز حکومت را با قواعد اخلاق و سیاست تطبیق داد، در همان راه و رسمی که فقط يك نفر مقتدر و مختار باشد، بی هیچ گونه مسئولیت و نظارتی هر جور که دلخواه اوست، رفتار کند؟ حتی صالح ترین افراد وقتی که به چنین پایگاه و مقامی برسند، بعید نیست وجودی کاملاً متفاوت شوند، زیرا چنین کسانی در اوج نفوذ و اقتدار وضع امور را مانند سابق نخواهند دید. پاره ای از نقایص عادی فرمانروایان خودسر ناشی از رشک و حسادت است و بعضی دیگر نتیجه خودبینی و غرور. حسد از آن جهت که ضعف فطرت آدمی است و غرور بدان جهت که جاه و ثروت بیکران سبب این پندار و فریب می شود که حاکم جبار خود را برتر از سایر افراد خواهد پنداشت و همین دو عامل ریشه انواع تباهی است و به رفتار جور و تعدی منجر می شود. هر صاحب اقتدار مطلق

العنان باید طبق قاعده و معمول از شایبه حسادت و رشک برکنار باشد زیرا با اختیارات تام خود قادر است به آنچه دلخواه اوست، رفتار کند اما چنانکه وضع زیردستانش نشان می‌دهد عملاً حال بدین منوال نیست. وی نسبت به عناصر برجسته و صالح قلمرو خویش حسادت می‌ورزد چرا که تنها طالب برجستگی خویش است و از طرز رفتار افراد فرومایه و دون‌خشنود می‌شود و به همین جهات است که جلب خاطر هیچ‌کسی دشوارتر از تأمین رضایت او نیست. وانگهی زمامدار خودرأی و جبارمنش، رفتاری استوار ندارد. اگر به مقداری که شایسته و کافی است، احترام و ستایش کنی سبب آزر دگی او خواهد شد که چرا تجلیل و ستایش بیشتری نشده است و اگر خود را زیاده‌پست و حقیر کنی به چاپلوسی و فرومایگی تعبیر خواهد شد. دیگر آنکه فرمانروای خودسر پایه سنت‌ها و قوانین قدیم را سست می‌کند و بی‌گناهان را اعدام می‌کند و زنان را وسیله لهو و لهب خود می‌سازد اما حکومت مردم‌درست برخلاف آن وضع و حال است. اولاً این طرز حکومت تساوی همگان در برابر قانون باشد. ثانیاً وقتی مردم زمامدار شوند دیگر رسم کار فرمانروای خودسر از بین خواهد رفت و دادگران و داوران بارأی مردم عامه انتخاب می‌شوند و مسئول عمل خویش خواهند بود و در همه امور تعاطی افکار خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌کنم حکومت پادشاهی را کنار بگذاریم و مردم را صاحب اختیار سازیم.)

سخنان مگابیز در تأیید حکومت الیگارش‌ی یا چند تنی

مگابیز گفت:

(من با آنچه هوتن راجع به انصاف از حکومت شهریاری گفته است، موافقم. اما رأی او در باره واگذاری اختیار امور، در دست طبقه عام‌درست نیست. توده مردم مشت‌ی افراد بی‌سر و پا بیش نیستند و هیچ جماعتی به قدر ایشان از اهمیت مسئولیت غافل و مستعد تعدی و اجحاف نیست. این کاری به کلی بی‌حاصل است که ما خود را از زیر بار خودسری و آز حاکمی جبار آسوده سازیم سپس خود را در دام افرادی بی‌بندوبار بیندازیم چون رفتار و عمل فرمانروای خودسر لااقل قرین تدبیر و اندیشه است ولی اقدامات طبقه عام همیشه بیهوده و خام. چگونه می‌توان از کسانی انتظار خیر و نیکی داشت که خود از قدر و ارزش آن چیزها غافلند. در سر افراد نادان و عام اصلاً فکری نیست. ایشان مانند سیلاب رودخانه هستند که همه چیز را در جلو خود جارو می‌کند پس کاش حکومت دمکراسی نصیب بدخواهان ایران شود. باید ما بهترین افراد صالح این سرزمین را انتخاب و اختیار زمامداری را به آنان تفویض کنیم. بدیهی است خود ما نیز جزو این دسته خواهیم بود و شکی نیست که تصمیمات شایسته‌ترین افراد، بهترین تدبیرات خواهد بود.)

سخنان داریوش در تأیید حکومت پادشاهی

سخنور سوم داریوش گفت:

(تمام نکته‌هایی را که مگابیز در باره عوام‌الناس گفته است، تأیید می‌کنم ولی با اظهاراتش راجع به حکومت تنی چند موافق نیستم. اکنون هر سه قسم حکومت دموکراسی، الیگارش‌ی و پادشاهی را که مورد توجه ماست، تحت بررسی

قرار می‌دهیم و فرض هم اینست که هر کدام از آنها در نوع خود بهترین باشد. از لحاظ من‌سومی، از دوتای دیگر به مراتب بهتر است. زمامداری يك نفر، به راستی چه دشوار است، چیزی برتر از آن یافتن مشروط بر اینکه وی صالح‌ترین فرد برای احراز آن منزلت و مقام باشد و رأی و تدبیرش با منش و رفتارش برابر. قدرت و سرپرستی چنین فردی در کار خلق، فوایدی غیر قابل انکار دارد. در این نوع حکومت اسرار ضد دشمنان و وطن بیشتر از هر رژیم دیگر محفوظ خواهد ماند. در رسم چند تنی ممکن نیست، به منظور درخشندگی و احراز ریاست و برتری در زمینه خدمات ملی اختلاف‌های شدید خصوصی میان ایشان پیش نیاید. هر يك از آنان در پی تحصیل مقام رهبری و فقط مترصد اجرای اغراض شخصی خواهند بود. از این رو بدون تردید میان ایشان دوگانگی و اختلاف خواهد افتاد و ضدیت‌های فردی به خصومت‌های علنی و سرانجام خونریزی منجر و نجات از چنان وضع و حال خواهد ناخواه به زمامداری يك نفر منجر خواهد شد که خود نشانه بارزی است که روش پادشاهی بهترین راه و رسم فرمانروائی است. از طرف دیگر در حکومت دموکراسی زشتی‌ها رواج خواهد یافت ولی این ترویج فساد در دستگاه‌های دولتی نه فقط به دشمنی‌های انفرادی بلکه به تبانی‌های پنهانی و محرمانه بین افراد ذینفع خواهد انجامید و حضراتی که در تبه‌کاری‌ها دست دارند با هم بند و بست و از یکدیگر متقابلاً حمایت خواهند کرد و این بساط نابهنجار آنقدر ادامه می‌یابد، تا يك نفر به عنوان قهرمان ملی قیام و دسته‌های مغرض و بداندیش را که فقط منافع خویش را مدنظر دارند، سرکوب کند. این پیروزی او تحسین و ستایش مردم را بر می‌انگیزد و طولی نخواهد کشید که چنین وجودی از طرف عام صاحب اختیار تام می‌شود که شاهد بارز دیگری است که رژیم پادشاهی بی‌همتا است. خلاصه کلام، خود ما همین آزادی را مدیون چه کسی هستیم و کی آنرا به ما تفویض کرد؟ آیا از راه دموکراسی به دست آورده‌ایم یا به وسیله حکومت تنی چند عاید ما شده‌است و یا آنکه میراث دولتی پادشاهی است؟ این استقلال ما از برکت وجود يك نفر است، کوروش بزرگ. پس پیشنهاد می‌کنم، رسم پادشاهی را کماکان نگاهداریم. بعلاوه بسیار نیکو است که از تغییر و تبدیل موازین قدیم که ما را وسیله خیر و فواید شده‌اند، اجتناب ورزیم و گرنه به مشکلاتی بزرگ دچار خواهیم گشت.)

چهار نفر دیگر که مطلبی عنوان نکرده بودند، نظریات داریوش را تأیید کردند.

نظر محققان در مورد روایت هرودوت

برخی از محققان معاصر در امکان چنین بحث و مذاکره‌ای ابراز تردید کرده‌اند. لازم به ذکر است که آنچه هرودوت نقل کرده‌است نباید بی‌مأخذ بوده‌باشد. این مذاکرات انعکاس واقعیت‌های عصر به نظر می‌رسد. اینکه بعضی از هموطنان هرودوت در صحت و نوع این مذاکرات تردید کرده‌اند، از آن روست که دوست داشته‌اند کسانی را که بربر (بیگانه) می‌خوانده‌اند از آشنایی با مباحث مربوط به دموکراسی و الیگارش‌ی و موناشرشی که نزد خود آن‌ها موضوع بحث فیلسوفان قوم بوده‌است، بی‌بهره نشان دهند و از این راه نیز به گونه‌ای پارسیان را که دشمن خویش می‌خوانده‌اند، در خور تحقیر فرمایند.

منابع

۱. زرین کوب، عبدالحسین. روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران) تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۵

۲. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴

۳. هرودوت. تواریخ. تهران: انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۶

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی